



## پیغام عشق

قسمت دویست و هفتاد و ششم





نکاتی از برنامه ۸۶۱ گنج حضور:

👉 انسان در من ذهنی، شروع به مقایسه تصویر ذهنی و همانندگی‌هایش با دیگران می‌کند و می‌خواهد بهتر و برتر باشد. در نتیجه دچار درد و گرفتاری زیادی می‌شود؛ و این‌ها همه طرح خداست تا ما کشف کنیم که دیدن، زندگی کردن و هدایت شدن به وسیله همانندگی‌ها و ازدست دادن دید عدم به طور کلی به نفع ما نبوده و دردزا است. بنابراین باید هرچه زودتر من ذهنی را رها کنیم.

👉 در اثر فضاگشایی‌های پی‌درپی، آرام‌آرام، اجازه می‌دهم که خودم و دیگران زندگی کنند. اکنون دیگر وقتی که نمی‌گذارم آن‌ها زندگی کنند، متوجه می‌شوم! وقتی به نام عشق مزاحم دیگران هستیم، این را می‌فهمم! قبلاً به هر جا می‌رسیدم، به هر کسی درد می‌دادم و می‌گفتم من شما را دوست دارم، عشق می‌ورزم؛ اما درد را زیاد می‌کردم! هر جا که می‌دیدم آبادانی هست، خرابی به بار آورده و می‌گفتم من در حال آباد کردن هستیم. مردم می‌گفتند مزاحم ما نشو، ولی من متوجه نمی‌شدم! ما در من ذهنی، نه تنها مزاحم اطرافیان، بلکه مزاحم خودمان هستیم! اکنون که آهسته‌آهسته فضای درونم باز می‌شود، می‌فهمم که آن‌ها چه می‌گفتند!

👉 وقتی ما انسان‌ها مسئله مشترک‌مان که همان من ذهنی و خصوصیاتش، را متوجه شدیم و آن را به خوبی شناختیم، باید دست به دست هم داده و به همدیگر کمک کنیم. بهترین کمک این است که حواس و تمرکزمان فقط روی خودمان باشد و مزاحم دیگران نشویم. یعنی تمرکزمان را روی آن‌ها نمی‌گذاریم و اجازه می‌دهیم آن‌ها هر کاری که می‌خواهند، انجام دهند. چراکه بر طبق آموزش‌های مولانا، هر کسی فقط مسئول اصلاح خودش است؛ بنابراین ما فقط روی خودمان کار می‌کنیم.

👉 اگر می‌بینید در مسیر پیشرفت معنوی هیچ تغییری در شما رخ نمی‌دهد، در این صورت یا دعای ذهنی می‌کنید، یا به اندازه کافی تکرار نمی‌کنید، مداومت نداشته، و یا اصلاً تعهد درستی به فضاگشایی ندارید.



گاهی اوقات دوست، همسر یا فرزندمان را به عنوان قطب مقاومت انتخاب کرده و مرتب ستیزه می‌کنیم. و با مقاومت، پوسته بیرونی من‌ذهنی را سفت‌تر می‌کنیم! به نظر ما این کار نشانه قوت است، در صورتی که نشانه ضعف ماست!

شما باید من‌ذهنی و خصوصیاتش را بشناسید. در غیر این صورت از عهده‌اش بر نمی‌آیید.

اگر ما با من‌ذهنی دعا کنیم، دعای ما توسط خدا شنیده نمی‌شود. ولی وقتی فضا را باز کنیم، خدا توسط ما دعا می‌کند و ما بدون ترس و با اتکا به زندگی، اختیارمان را به دست او می‌دهیم. ولی اگر نتوانیم فرمان زندگی‌مان را از دست من‌ذهنی بگیریم، بیچاره می‌شویم.

طرح زندگی می‌گوید: ای انسان، من به تو هشیاری جسمی می‌دهم و اوضاع و وضعیت این لحظه را به تو نشان می‌دهم. اگر به عقل من اتکا کنی و فضا را باز می‌کنی، می‌توانی از عقل فضای گشوده‌شده استفاده کرده و بهره‌مند شوی؛ اما اگر هنوز به عقل من‌ذهنی خودت متکی هستی، درد خواهی کشید و صدا و دعای تو را نمی‌شنوم!

همانیدن یعنی چه؟ همانیدن یعنی همان را درست کردن.

ما از جنس عدم و بی‌فرمی هستیم. چیزهای آفل و گذرا مثل باورها و فکرها را می‌گیریم و به آن‌ها حس هویت تزریق می‌کنیم؛ در نتیجه آن‌ها مرکز ما شده، نگاه‌شان می‌داریم و به دلیل این‌که با آن‌ها همانیده هستیم، باز هم رهایشان نمی‌کنیم. دانستن این موضوع سبب می‌شود که نگاه‌داشتن همانیدگی را ادامه نداد، و پس از این اجازه ندهیم، چیزی ما را جذب کند و کل توجه‌مان را به خود معطوف گرداند.

اکنون دیگر می‌دانیم که ستیزه، مقاومت و قضاوت من‌ذهنی را تقویت می‌کند؛ و از آن جایی که ما این من‌ذهنی نیستیم، تصمیم می‌گیریم هر موقع من‌ذهنی بلند شده و می‌خواهد با چیزی ستیزه یا در برابرش مقاومت کند، ما ستیزه



را کنار می‌گذاریم و بلافاصله همان موضوع را به فضاگشایی تبدیل می‌کنیم؛ این را باهوش بودن می‌گویند. زیرکی این نیست که به رفتارهای من‌ذهنی تن دهیم.

🔥 مسئله‌سازی یکی دیگر از دیدهای من‌ذهنی است. خداوند وضعیتی را پیش می‌آورد تا شما فضاگشایی کنید. اگر شما این لحظه درمقابل وضعیت زندگی (یعنی اتفاقی که ذهن نشان می‌دهد) مقاومت کنید، تبدیل به مسئله می‌شود و مسئله به شما فشار می‌آورد. برآستی فشار، گرفتاری، غم و غصه برای شما چه پیامی دارد؟ می‌گوید شما نیاز به زندگی دارید!

🔥 یکی از خاصیت‌های من‌ذهنی مانع‌سازی است که می‌خواهد شما را متقاعد کند که در این لحظه نمی‌توانید زندگی کنید و شاد باشید!

در صورتی که زندگی ما در این لحظه اتفاق می‌افتد، و هرکسی صرف‌نظر از داشته‌ها و نداشته‌هایش الان می‌تواند به بی‌نهایت خدا زنده شده و از شادی زندگی استفاده کند.

🔥 هر مسئله‌ای با زبان بی‌زبانی، به ما می‌گوید: «فضا را باز کن!» اگر کسی این موضوع را درک می‌کرد، درمقابل اتفاق این لحظه مقاومت نمی‌کرد و مسئله نمی‌ساخت؛ اما ما متوجه این حقیقت نبوده و مرتب مسائل را ادامه می‌دهیم!

🔥 هنگامی که فضا را هم به صورت فردی هم به صورت جمعی می‌گشاییم، صبر و شکر داریم، از هم‌هویت شدن با چیزهای جدید پرهیز کرده و درمقابل اتفاق این لحظه مقاومت نمی‌کنیم، بلکه این لحظه را با پذیرش و رضا شروع می‌کنیم، خواهیم دید پس از مدتی روابطمان با دیگران بهبود یافته؛ رضایت و قدرشناسی در ما پدیدار می‌شود. همیشه شادی بی‌سبب داشته و این شادی زندگی‌مان را با کیفیت می‌کند. یک‌دفعه می‌بینیم که از این فضای گشوده‌شده، فکرها و راه‌حل‌های جدیدی از طرف زندگی می‌رسد که در سامان یافتن وضعیت‌های درونی و بیرونی ما تأثیر به‌سزایی دارد.

🔥 قیامت هر انسانی چه زمانی به وجود می‌آید؟



وقتی انسان با فضاگشایی به این لحظه می‌آید و از زمان مجازی گذشته و آینده رها می‌شود، وقتی پذیرش رویداد این لحظه، شادی بی‌سبب و آفرینندگی در نتیجه یک تعهد واقعی، مرتب تکرار می‌شوند، فضای درون بسیار گشوده شده و هیچ همانندگی در انسان باقی نمی‌ماند؛ آن زمان است که انسان در این لحظه ابدی مستقر شده که این همان قیامت شخص است؛ و هر کسی که به این جهان می‌آید، باید به این قیامت برسد و بعد از دنیا رود؛ اما متأسفانه، در اثر هدایت و آموزش غلطِ عقل همانندگی‌ها، ما این فرصت طلایی را از دست می‌دهیم!

👉 ما انسان‌ها، چه زن و چه مرد، به‌عنوان کسانی که روی زمین زندگی می‌کنند، باید به هم کمک کنیم.

هر موقع در اطراف هم فضاگشایی می‌کنیم، در حال کمک به هم بوده؛ و هر موقع که فضا را می‌بندیم، نه تنها به هم کمک نمی‌کنیم، بلکه همدیگر را فلج می‌نماییم.

👉 امروزه زمانی که می‌خواهیم ازدواج کنیم و شخص مقابل را ارزیابی نماییم، هنوز او را ندیده، می‌پرسیم: «ماشین، پول، خانه، شغل و امکانات فراوان دارد؟» «بله، دارد.» به شخص مقابل پاسخ مثبت می‌دهیم و در نهایت عاشق می‌شویم! به‌راستی ما تحت این شرایط، عاشق چه چیزی شده‌ایم؟ عاشق تجسمِ ذهنی و همانندگی‌های خودمان! بدین صورت، ما تنها همانندگی‌های خود را در دیگران جستجو کرده و عاشق آن‌ها می‌شویم. همانندگی شدن با کسی عشق نبوده، بلکه کنترل و زجر دیگران است!

عشق این است که با مرکز عدم و با خداگونگی خود، همان زندگی و عدم را در مرکز دیگران تشخیص دهیم.

👉 یکی از چیزهایی که برای ما در این جهان ایجاد انباشتگی می‌کند، دانش معنوی است. به‌طور مثال، می‌توان به خواندن و حفظ کردن ابیات مولانا اشاره کرد. ما باید ابیات مولانا را برای تغییر و تبدیل هشیاری خود بخوانیم، نه برای انباشته کردن آن‌ها در مرکز و ایجاد همانندگی جدید!



این که ما انسان‌ها می‌بینیم در جهان حرکت، مسیر و گرایش همه چیز از جمله جسم‌مان به سوی پیرشدن، خراب شدن و عوض شدن است، باید تشخیص دهیم که یک عدم و هشیاری در ما وجود دارد که جاودانه بوده؛ و به واسطه آن، می‌توانیم چیزهای گذرا را ببینیم! بنابراین، باید هرچه زودتر به آن جاودانگی خدا هشیارانه زنده شویم.

ما با هرچه که همانیده شده و با علاقه و اشتیاق از آن حرف می‌زنیم، آن‌ها را از دیگران گرفته‌ایم! هیچ‌کدام را از درون‌مان خلق نکرده‌ایم. بنابراین، اگر فردی مانند مولانا چیزی را از درون خلق کند، راجع به آن صحبت نمی‌کند.

انسان در من‌ذهنی، به دلیل هم‌هویت بودن با نقش‌هایش، مرتب نیازمند تأیید، توجه و قدرشناسی دیگران است. در صورتی که با مرکز عدم، با گشودن فضای درون، از تأیید و توجه دیگران بی‌نیاز است.

ابیات مولانا می‌تواند راهنمای خوبی برای سنجیدن ما باشد که آیا در برابر اتفاق این لحظه، فضاگشایی می‌کنیم؛ و این فضای گشوده‌شده ما را از چنگ من‌ذهنی رها می‌کند؟ یا نه، بدتر فضابندی کرده و من‌ذهنی را قوی‌تر می‌کنیم؟

یکی از خصوصیات من‌ذهنی، معنویت ذهنی است. به این صورت که یک من‌ذهنی معنوی ایده‌آل و کامل از خود تجسم می‌کنیم، که مجهز به ملامت بوده و هر موقع اشتباهی می‌کنیم، دیگران را مقصر دانسته؛ و اگر هم مسئولیت اشتباه خود را بپذیریم، همراه با ملامت و سرزنش است؛ که این معنویت نیست.

ما قرآن یا ابیات مولانا را می‌خوانیم که روی ما اثر بگذارد؛ و تأثیرش فضاگشایی در درون ما باشد؛ هشیاری‌مان تغییر کرده و به خدا زنده شویم. در غیر این صورت، تکرار و حرکت فکر در ذهن بوده، هشیاری حضور را می‌پوشاند و هیچ فایده‌ای هم ندارد.

مشیت الهی به این معنا نیست که انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات به این جهان بیاید و از ابتدا تا انتها غم و غصه بخورد و بعد هم بمیرد. بلکه رحمت ایزدی هر لحظه با تمام قوا حاضر است که با فضاگشایی ما در برابر اتفاق این لحظه به ما کمک کند تا به شادی و آرامش برسیم.



👉 بزرگانی مثل حافظ و مولانا می گویند، دوران فراق و جدایی از خدا و زندگی به پایان رسیده است. اکنون اگر انسان آگاهانه و هشیارانه نخواهد در ذهن باقی بماند، این امکان فراهم شده تا با فضاگشایی های پی در پی تاریکی ذهن به طور کلی به صورت فردی و جمعی به پایان برسد.

👉 ضربان تکاملی زندگی می گوید: دوران اقامت بشر در ذهن به پایان رسیده است. ماندن در ذهن بیش از این برای بشر خطرناک است؛ زیرا ممکن است به خاطر تفاوت های سطحی همدیگر را کشته و از بین ببرند؛ درحالی که اگر به زندگی زنده شوند، این تفاوت ها می تواند بسیار هم زیبا باشد.

👉 انسان ها تفاوت های سطحی را جدی گرفته و تفاوت ها را تهدید به حساب می آورند؛ زیرا با من ذهنی، با عینک همانندگی ها می بینند. انسان با من ذهنی فکر می کند دیگران هستی، دین، پایه و اساس زندگی او را تهدید می کنند. درحالی که پایه و اساس ما باید روی زندگی بنا نهاده شود.

👉 انسان با من ذهنی زرنگی را به نمایش می گذارد، دروغ می گوید، ملامت می کند، بی مسئولیتی، مسئله سازی، مانع سازی و دشمن سازی را افتخار می داند.

👉 بهار واقعی انسان زمانی پیش می آید که فضای درونش گشوده شده، همانندگی ها و خودنمایی های خود را ببیند. کسی که مرکزش همانیده است، فضاگشایی نکرده و هیچ گاه ذهنش خاموش نمی شود و هدف و منظور اصلی آمدن به جهان که همان زنده شدن به بی نهایت و فراوانی خداست، برای او پیش نخواهد آمد.

👉 اقرار به الست در این لحظه، یعنی اقرار می کنیم که از جنس زندگی و خدا بوده و از جنس جسم نیستیم و این امر مهم را باید در عمل، و با فضاگشایی در اطراف رویدادها نشان دهیم.

👉 هرکس الست را انکار می کند، گرفتار آثار بد قضا و کن فکان می شود؛ زیرا خودش قضاوت کرده و به قضاوت خدا و قدرت شکوفایی او که در واقع با فضاگشایی در اطراف اتفاق این لحظه صورت می گیرد، تن نمی دهد.



🔥 با فضاگشایی آهسته آهسته هشیاری روی هشیاری منطبق شده و هرچه ما فضا را باز می‌کنیم، هشیاری از جهان برای دیدن و آگاهی از خودش بی‌نیاز می‌شود.

🔥 آیا غیر از خدا چیز دیگری در مرکز شما هست؟

همانندگی با دردها، فرزندان، پول، مقام و... به‌عنوان مثال، موقع نماز خواندن در خود بازبینی کنید چه چیزهایی را به یاد می‌آورید؟ آیا مرتب از این فکر به آن فکر می‌پرید؟ اگر این‌طور باشد، مرکز شما همانیده است.

🔥 وقتی ما به زبان می‌گوییم خدا را می‌پرستیم و از او یاری می‌گیریم، ولی در عمل دنبال یاری گرفتن از چیزهای این جهانی هستیم، این از نظر زندگی ریاست و ما باید متوجه این موضوع باشیم.

🔥 ممکن است شما فضا را باز کنید، ولی بقایای من‌ذهنی در شما آرزوی ماندن من‌ذهنی را بکند. بنابراین در آن لحظاتی که شما با فضاگشایی با خدا یکی می‌شوید، نباید دوباره خواهش‌های من‌ذهنی را داشته و دعاهای من‌ذهنی را بکنید، باید بگذارید باز هم زندگی حرف بزند.

🔥 این فضای گشوده‌شده فایده‌اش برای ما و ارزشش برای خدا خیلی زیاد است. بنابراین، همه چیز را به خدا بسپارید و بگویید، من نمی‌دانم.

🔥 وقتی فضاگشایی می‌کنید؛ نباید یک‌دفعه یک دعای ذهنی و یک چیز ذهنی بخواهید. چراکه دعای ذهنی، یعنی خدایا این من‌ذهنی مرا زنده نگه‌دار؛ یا مثلاً از کسی کمک بخواهیم تا درد من‌ذهنی التیام یابد. این‌گونه من‌ذهنی مان باقی می‌ماند! ما باید درد را تبدیل به درد هشیارانه کنیم تا من‌ذهنی تمام شود.

🔥 چرا نمی‌توانیم فرمان زندگی مان را به دست خدا بدهیم؟ زیرا ما شرطی شده‌ایم که بترسیم!

می‌ترسیم اگر تندتند فکر نکنیم و حواسمان با همین عقل من‌ذهنی به جزئیات نباشد، یک‌دفعه شیرازه امور از دستمان

برود.





👉 ما در زندگی روزمره پارکِ ذهنی درست کرده‌ایم. همه چیز باید براساس ذهن محدود ما چیده شود. همسر، فرزندان و همه امور باید در همان محدوده‌ای که ما می‌خواهیم حرکت کنند! اما برای زنده شدن به خدا، باید دست از کنترل کردن خود و دیگران برداریم. در این صورت است که پیشرفت می‌کنیم.

👉 مهم است که شما حداقل این موضوع را با ذهن متوجه شوید که نمی‌شود مقاومت کرده و در ذهن باشید، جهان را استدلال، قضاوت و بد و خوب کنید و فکر کنید که تسلیم شده‌اید؛ پس نکته اصلی این است که هرچه ذهن می‌گوید، بدون توجه به آن، در این لحظه باید فضا را باز کنید.

👉 ما دنبال من ذهنی تربیت شده نیستیم. بلکه دنبال زنده شدن به خدا هستیم، تفاوت بین این دو موضوع باید مشخص شود!

من ذهنی معنوی، عبادت‌کننده، صبور، کم‌حرف، تحمل‌کننده، رعایت‌کننده قانون و... با حضور فرق دارند. نباید این‌ها را با حضور یکی بدانید! این که من چیزی نمی‌گویم، ساکت می‌شوم، تحمل می‌کنم، حضور نیست! شما فضا را باز کنید. ممکن است یک چیز مناسب با وضعیت آن لحظه بگویید. شما باید حواس‌تان به خودتان باشد و این موضوع را روی خودتان پیاده کنید. به افراد دیگر هم اصلاً نگاه نکنید. باید این اشعار مولانا را بخوانید و یاد بگیرید او چه می‌گوید، وگرنه ممکن است من ذهنی ادامه پیدا کند.

👉 خیلی مواقع فرزندان ما همانندگی دارند، مثلاً بچه‌های چهارده، پانزده ساله عاشق می‌شوند، گریه و زاری می‌کنند. برای این که همانیده شده‌اند. پدر و مادرها باید بگذارند، آن‌ها گریه کنند و دردش را بکشند. خیلی مواقع، ما نمی‌گذاریم بچه‌های مان درد کافی بکشند. باید درد بکشند تا پیغام دردها را گرفته و یاد بگیرند که فضا را بکشایند. اما متأسفانه ما کمک می‌کنیم تا من ذهنی‌شان را نگه دارند.



👉 زندگی مطابق قانون تکامل هشیاری می‌خواهد من ذهنی ما را از هم بپاشاند، هشیاری ما را از آن بیرون کشیده و به بی‌نهایت خودش زنده کند و این ضربانِ تکامل هشیاری است. ولی ما با ننگه‌داشتن من ذهنی، با مقاومت و قضاوت جلوی این کار را می‌گیریم.

👉 ما انسان‌ها دارای علمی هستیم که از جنس ذهن نیست. به محض فضاگشایی، آن علم راهنمای ما می‌شود؛ چیزی نیست که بتوان آن را با ذهن تجسم کرد. در بین تمام مخلوقات، فقط انسان است که این علم را همراه خودش دارد. اما موقع همانیده‌شدن با جهان آن را گم می‌کند؛ یعنی یادش می‌رود. وقتی همانیدگی‌ها را کنار می‌زند، فضا را بی‌نهایت باز می‌کند، این علم خاص را دوباره به یاد می‌آورد.

👉 شما نگذارید ذهن تان حرف بزند، خوب و بد. کند بلکه تنها سکون و سکوت را بشنوید که اصل ماست و در ما وجود دارد. بدانید دلیل این که ما، هم صحبت‌های دیگران را می‌شنویم و هم سکوت و فاصله بین حرف‌های شان را، همین سکوت درون مان است.

👉 سکوت خداست و حرف جسم است.

در این جهان یکی خداست و بقیه جسم هستند. ولی همه چیز جسم هم خداست. ما به عنوان جسم می‌توانیم جسم را انکار کرده و در نتیجه او شویم. جسم داریم، ولی جسم نیستیم، بلکه هشیاری هستیم. اگر حقیقتاً جسم را انکار کنیم، تبدیل به زندگی می‌شویم.

👉 ما به وسیله نیروی زندگی، عدم، سکون و خدایت درون، عدم را می‌بینیم و به وسیله همین نیرو است که حس ما می‌تواند چیزها را ببیند.

مثلاً وقتی که به آسمان نگاه می‌کنیم، آسمان خالی را می‌بینیم. آسمان خالی به وسیله حس ما دیده نمی‌شود. بلکه به وسیله نیروی زندگی است که چشم ما، می‌تواند فضای خلاً را تشخیص دهد و اجسام را در آسمان ببیند. ما چون با



حس‌ها هم هویت هستیم، فکر می‌کنیم فقط حس‌های ما می‌بینند. درحالی‌که پشت این حس ما، یک هشیاری پنهان است که اصل ماست.

سوالاتی که در برنامه شماره ۸۶۱ گنج حضور، آقای شهبازی مطرح فرمودند:

👉 آیا من به خدا زنده شده‌ام یا نه؟

👉 آیا فرق بین شادی واقعی و بلا را می‌دانم؟

👉 آیا می‌ترسم که پولم را از دست بدهم؟

👉 آیا می‌شود به خاطر چیزهای آفل که ذهنم نشان می‌دهد غصه نخورم؟

👉 آیا من چیزهای معنوی را حفظ کرده و ذهناً تکرار می‌کنم و معنی‌اش را نمی‌دانم؟ یا بیتی از مولانا را می‌خوانم،

تکرار کرده و مرتب فضا را باز می‌کنم؟

👉 آیا من ارزش و اهمیت خود را از جهان قرض می‌کنم؟

👉 آیا به خاطر مقام، دانش، پول، اتومبیل، خانه، فرش، همسر، بچه‌هایم ... پز می‌دهم؟ خودنمایی کرده و کبر دارم؟

👉 آیا ارزشم را از بچه‌ام قرض کرده و به‌معرض نمایش می‌گذارم؟

👉 آیا من به چیزی که ذهنم نشان می‌دهد دل می‌بندم؟

👉 آیا در زندگی روزمره مرتب مرکز م با فضاگشایی خالی‌شده و یک عقل بهتری می‌آید، یا با عقل من‌ذهنی عمل

می‌کنم؟

👉 فشار، گرفتاری، غم و غصه چه پیامی برای من دارد؟



👉 آیا من جسم پرست هستم؟ یعنی اجسام را به صورت فکر تجسم کرده و آنها را می پرستم و از طریق آنها همه چیز را می بینم؟

👉 چرا من مرتب ستیزه، قضاوت و مقاومت می کنم؟ این چه حالتی است که من دارم؟

👉 چرا از ذهن من فکرها منفی، فکرها مربوط به دردهای سی سال پیش می گذرد؟

👉 آیا من هم مثل من های ذهنی، قرآن و غزل های مولانا را می خوانم و چیزی نمی فهمم؟ یا این ابیات و صحبت ها روی من اثر گذاشته، باعث می شود به زندگی ارتعاش کرده و تبدیل شوم؟

👉 چرا من این قدر روی خودم کار می کنم، ولی به جایی نمی رسم؟

👉 اگر درد من ذهنی ساکت شود، من چه کار می کنم؟ آیا می خواهم کار روی خودم را ادامه بدهم یا دوباره به من ذهنی برمی گردم؟

👉 آیا به زندگی می گویم که با وجود فضای گشوده شده، دیگر نمی خواهم من ذهنی ام بماند؟

👉 آیا آرزومندی من واقعاً خوب و کامل است؟

👉 آیا من با تسلیم و فضاگشایی کار کرده و فرمان زندگی ام را به خدا می سپارم؟

👉 آیا حقیقتاً، من هم رابطه ام با خدا مثل رابطه ی بچه ی چهارساله با مادرش است؟

👉 آیا در ذهن من فکری می گذرد که دارای بار حس هویت و حس وجود هستند و حقیقتاً من از آنها کمک می خواهم؟

👉 آیا غبار همانیدگی ها که روی عدم را پوشانده، برای من تمام شده است؟ چرا برایم تمام نشده، شاید من قانون جبران را درست انجام نمی دهم؟



🔥 آیا به زبان می‌گویم که من خدا را می‌پرستم و از او یاری می‌گیرم، ولی در عمل دنبال یاری گرفتن از چیزهای

این جهانی هستم؟

🔥 آیا غیر از خدا چیز دیگری در مرکز من نیست؟ آیا در مرکزم همانیدگی با دردها، فرزندان، پول، مقام وجود ندارد؟



همراهان عزیز گنج حضور، لطفاً برای ارسال پیغام‌های عشق خود، از کانال تلگرام آقای شهبازی که در زیر مشاهده می‌شود استفاده نمایید. در موارد استثنایی که دسترسی به تلگرام وجود ندارد، می‌توانید پیغام خود را از طریق ایمیل به آدرس ایمیل آقای شهبازی ارسال فرمایید.

با سپاس،

گروه تهیه مجموعه پیغام عشق



تلگرام آقای شهبازی

+1 818 970 3345



ایمیل آقای شهبازی

Shahbazi@rapidtest.com